

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و برزنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی پری میسان
برگردان از: حمید محوی
۲۶ سپتمبر ۲۰۱۴

بازگشت طرح ایالات متحده برای ترسیم مجدد «خاورمیانه بزرگ»

در طول مدتی که رسانه های غربی با شور و هیجان تشکل اتحادیه بین المللی علیه امارات اسلامی را پی گیری می کردند، امارات اسلامی به پیش روی های خود ادامه می داد. تی پری میسان که بارها واشینگتن را به عنوان آفرینشگر اصلی این سازمان تروریستی معرفی کرده و چگونگی آن را توضیح داده است، در مورد تشکل این اتحادیه بین المللی فکر نمی کند که حرکت قاطعانه ای از خود نشان دهد، بلکه به عکس، امارات اسلامی را به هدف بی ثبات سازی تمام جهان عرب، در شمال شرقی سوریه مستقر خواهد ساخت.

شبکه ولتر / بیروت (لبنان) / ۲۰ سپتمبر ۲۰۱۴



خلیفه ابراهیم

رئیس جمهور امریکا بارک اوباما روز ۱۰ سپتمبر ۲۰۱۴ در سخنرانی تلویزیونی اش نشان داد که او ضامن اجرائی و تداوم آن ستراتیژی خواهد بود که کودتاچیان در ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ به ایالات متحده تحمیل کردند : به این معنا که او طرح ترسیم مجدد « خاورمیانه بزرگ » (۱) را پیگیری خواهد کرد.

یعنی همان طرحی که فکر می کردیم با شکست ارتش اسرائیل در مقابل مقاومت لبنان در سال ۲۰۰۶ به پایان رسیده، می بینیم که دوباره فعال شده است. در اینجا باید یادآوری کنیم که طرح خاورمیانه نوین یا خاورمیانه بزرگ عبارت است از تقسیم دولت های منطقه به دولت های کوچکتر که مطمئناً دائمی نخواهند بود و ثبات تاریخی نخواهد داشت. علاوه بر این همسان سازی قومی این کشورهای تازه تأسیس، یعنی موردی که مستلزم پاکسازی قومی و جابه جایی اجباری مردم محلی خواهد بود به همین طرح تعلق دارد.

سرهنگ رالف پیترز Ralph Peters در مقاله شگفت انگیزی که به تاریخ ۱۳ سپتمبر ۲۰۰۱ در مجله ارتش نیروی زمینی «پارامترز» Parameters (۲) منتشر کرده، نوشته است که واشینگتن نباید از تروریسم هیچ ترسی داشته باشد و در بهره برداری و استفاده از آن نیز نباید هیچ تردیدی به خود راه دهد. او در همین متن درباره طرح ترسیم مجدد «خاورمیانه بزرگ» (که نقشه آن را در گردهمایی بیکر هامیلتون Baker-Hamilton منتشر کرد) به واشینگتن پیشنهاد کرد که نباید از هرج و مرج عمومی جهان عرب بترسد، در نهایت، وقتی اعراب به کشورهای کوچکتر تقسیم شدند دیگر نمی توانند در مقابل درندگی اسرائیل از خودشان دفاع کنند و اجباراً به ایالات متحده پناه خواهند برد.

بخش اول : انفجار جمعیت در غزه

تابستان امسال، نخستین بخش این طرح در غزه با شکست روبه رو شد. در حالی که اسرائیل عملیات تجسسی برای سه جوان ربوده شده را به لشکر کشی علیه حماس تبدیل کرده بود، از سوی پنتاگون دستور دریافت کرد که مردم ساکن شمال غزه را به زور به سوی مصر منتقل کند.

این طرح (به همین گونه طرح استقرار یک پایگاه نظامی ایالات متحده در مرز سودان) ابتداء سال ۲۰۰۵ به ازای پاداش به مصر پیشنهاد شده بود، ولی حسنی مبارک رئیس جمهور وقت مصر با آن مخالفت کرد. در نتیجه، واشینگتن او را مجبور به استعفاء نمود و اخوان المسلمین را در قاهره به قدرت نشانند (عملیاتی که به نام « بهار عرب » شهرت پیدا کرد). رئیس جمهور محمد مرسى اجرای این طرح را به عهده گرفت، ولی توسط ارتش خودش امروز به جرم خیانت بزرگ به محاکمه کشیده شده است.

در ماه های جولای- اگست گذشته، اسرائیل به بهانه نفوذ تونل های زیر زمینی به مرز کشورش، تخریب تونل ها را آغاز کرد و از ساحل دریا تا قلب شهرها را تماماً به تل ویرانه تبدیل ساخت. بر این اساس بخشی از جمعیت را جابه جا کرد و ۴۴٪ سرزمین را در بازی زبانی خودش « آزاد » کرد، ولی تل آویو و واشینگتن نتوانستند مصر را متقاعد سازند که مرزش را باز کند و موجب فرار اهالی غزه شد.

بخش دوم : تصفیه قومی در عراق

بخش دوم عملیات، این بار در عراق، تقریباً به شکل کامل به اجراء گذاشته شد. امارات اسلامی مأموریت داشت که منطقه سنّی کشور را از تمام اقلیت ها پاکسازی کند. مسیحیان و یزیدی ها فرار کردند، ولی اقلیت های دیگر مثل شبکه ها کاملاً نابود شدند. واشینگتن و هم پیمانانش اعلام کردند که مسؤول این نوع جنایاتی که علیه بشریت صورت گرفته نیستند و حتی آن را محکوم کردند.

تصفیه قومی در منطقه سنّی در هماهنگی صورت گرفت و در گردهمایی تدارکاتی در عمان نه تنها بین امارات اسلامی و کردهای طرفدار اسرائیل در عراق، بلکه با توافق افسران قدیمی حزب بعث که توسط پل بریمر Paul Bremer در سال ۲۰۰۳ از قدرت کنار گذاشته شده بودند، به انجام رسید (۳).

وقتی که رسانه های بین المللی روی گزارشات مرتبط به پیش روی های امارات اسلامی در عراق متمرکز شده بودند، پیشمرگان قبیله بارزانی ۴۰٪ خاک کردستان عراق را توسعه دادند. طی این دوران، پیشمرگان و جهاد طلبان با یکدیگر برخوردی نداشتند و جنگی بین آنها روی نداد : ولی بر اساس طرح پیش ساخته در سال ۲۰۰۱ توسط ستاد فرماندهی ایالات متحده، عراق را بین خودشان تقسیم کردند. البته از سوی دیگر، کردهای ترکیه و سوریه که به حزب کار کردستان تعلق داشتند، برای نجات جان آنچه از یزیدی ها باقی مانده بود وارد منطقه سنی ها شدند و علیه امارات اسلامی جنگیدند.

سقوط منطقه سنی، به همین گونه منطقه کرد، به هیچ عنوان نسبتی با کاربرد اسلحه و حاصل جنگ نبود : بلکه در هر دو مورد، افسران عراقی، منطقه را دو دستی تحویل دادند. چنین ماجرائی تنها می توانست توسط همانهایی عملی گردد که این نقشه را از پیش طرح ریزی کرده بودند و بی گمان اینها همانهایی هستند که ارتش عراق را سازماندهی کرده اند: یعنی ایالات متحده. این طرح به همان شکلی به اجرا گذاشته شد که تصرف بغداد در سال ۲۰۰۳. در آن دوران نیز حدود چهل نفر از جنرال های ارتش عراق که از پیش توسط سیا خریداری شده بودند، پست هایشان را ترک کردند و به ایالات متحده گریختند، و چنین بود که پایتخت را به اشغالگران واگذار کردند.

هر اندازه که امارات اسلامی بتواند خشن و جنایتکار به نظر رسد، ولی باید دانست که آنها دستور داشتند که اهالی غیر سنی را مجبور به فرار کنند. در نتیجه امارات اسلامی نه تنها علیه اربابان خودش دست به اقدامی نزد، بلکه اوامر آنها را مو به مو به اجرا گذاشت، زیرا ارتش رسمی ایالات متحده بی آن که متهم به « جنایت علیه بشریت » شود نمی تواند دست به چنین عملیات خشونتباری بزند.

بخش سوم : ایجاد یک دولت راهزن در شمال شرقی سوریه

سومین بخش از عملیات طرح « خاورمیانه بزرگ » به شمال شرقی سوریه مرتبط می باشد. وقتی اسرائیل در حال حمله به غزه بود، ترکیه با منحرف کردن آب رودخانه فرات شمال شرقی سوریه را دچار بی آبی کرد. علاوه بر این نیروی هوایی ناتو از پایگاه انجیرلیک (در ترکیه) از ارتفاعات بالا ماده آفت کش روی منطقه پخش کرد. ماده کیمیائی که ناتو به کار برد، ماده ای است که معمولاً برای دفع ملخ های صحرائی به کار می برند و موجب کشت نابود شدن زمین کشاورزی می گردد. انبار گندم سوریه امروز نابارور شده و دیگر برای کشاورزی قابل استفاده نیست.

جای شگفتی است که ایالات متحده که خود را به عنوان رهبر مبارزه علیه جنگ کیمیائی معرفی می کند، علیه سوریه سلاح کیمیائی به کار می برد و هم زمان این کشور را به استفاده از سلاح کیمیائی متهم می کند.

در همین دوران، ناتو خانواده های چینی از مسلمانان ایغوری ترک زبان را به شمال شرقی سوریه منتقل کرد. هدف این است که برای بی ثبات سازی چین در آینده، آنها را آموزش داده و متشکل سازند، یعنی به همان شیوه ای که مبارزان اسامه بن لادن را علیه دولت کمونیست* افغانستان و سپس در چچنی علیه روسیه پشتیبانی کردند، این بار ایغوری ها را در سین کیانگ علیه چین آماده می کنند و حتی برای برخورد علیه سازمان همکاری شانگهای.

آلفردو جالیف Alfredo Jalife سیاست شناس بر این باور است که اگر چه امارات اسلامی در شامات ایجاد شده است و مأموریت آن طی چهار سال آینده بی ثبات سازی خاورمیانه بزرگ است، ولی هدف نهائی آن ادامه کار علیه بریکس و BRICS خواهد بود (۴).

تنها عامل تخفیف دهنده خشونت در اینجا، این است که اگر سازمان همکاری شانگهای ایران را در بطن خود جای داده، همان گونه که پیش از این نوشته بودم، هند ترجیح داد در جایگاه ناظر باقی بماند. علت این است که از دیدگاه دهلی نو، تقسیم جهان به دو بلوک تنها می تواند به جنگ بینجامد. اگر چه نخست وزیر هند نارندرا مودی Modi Narendra یک

ناسیونالیست هندومی باشد و نه یک عضو کنگره ملی هند، با این وجود هند وضعیت « غیر متعهد ها »ی جواهر نعل نهرو را انتخاب کرده است. ایجاد « القاعده برای جنگ مقدس در شبه قاره هند » که ایمن الظواهری در ۳ سپتمبر اعلام کرد، احتمالاً به سکوت برگزار خواهد شد.

شمال شرقی سوریه برای تبدیل شدن به یک دولت راهزن بسیار مناسب و مستعد است. در واقع، اهالی این منطقه به شکل قبیله ئی زندگی می کنند و غالباً از طریق صحرا با عربستان سعودی آمد و رفت دارند. در نتیجه، تنها دولت هائی را که ناتو به تخریب آنها نائل آمد افغانستان، عراق، لیبیا و شمال شرقی سوریه بود، یعنی جوامعی که ساخت و ساز آنها قبیله ئی است. ولی ناتو در کشورهای دیگر مانند تونس، مصر و بقیه سوریه با شکست روبه رو شد. با خرید چند رئیس قبیله، واشینگتن می تواند امیدوار باشد که امارات اسلامی این منطقه را کنترل خواهد کرد بی آن که خواست اهالی منطقه بتواند اختلالی در آن به وجود بیاورد.

القاعده و امارات اسلامی

باید یادآوری کنیم که تفکیک بین القاعده و امارات اسلامی خیلی مصنوعی به نظر می رسد. طی ماه های گذشته خیلی در این باره نوشته و گفته اند که طرح های این دو سازمان به شکل بنیادی با یکدیگر متفاوت است : اولی برای جهاد جهانی تبلیغ می کند و دومی در پی تحقق خلیفه تنها در یک بخش از جهان است. بر این اساس، در ویدئوی ۳ سپتمبر، امیر القاعده ایمن الظواهری، ایجاد خلیفه در برمه، بنگالادش و در برخی مناطق هند را به عنوان هدف تعیین کرده است. در هر صورت، اگر امارات اسلامی شبکه ای از القاعده است، ولی در مورد قابلیت جذب نیرو و اداره سرزمین هائی که تحت کنترل می گیرد متفاوت می باشد. امارات اسلامی در بطن سازمان خود دارای دو سرویس جدید است : دفتر روابط عمومی که مثل چند ملیتی های ایالات متحده ویدئو و گزارشات فعالیت هایش را منتشر می کند، و اداره امور مدنی، چیزی معادل استانداری. تنها مدرسه نظامی در جهان که در هر دو زمینه روابط عمومی و ارتباطات و امور مدنی دوره آموزشی دارد، ارتش نیروی زمینی ایالات متحده در فورت برگ Fort Bragg است.

ادامه طرح

در ماه های آینده، کردستان باید برای کسب استقلال درخواست کند، در حالی که امارات اسلامی بر اساس اتحادیه گسترده ای که به ابتکار ایالات متحده ایجاد شده به سوریه رانده خواهد شد. اگر به شکل منطقی صحنه را ببینیم، سنی های عراق از این که تحت سلطه مقامات بغداد قرار بگیرند، امتناع خواهند کرد و درخواست آنها استقلال برای منطقه سنی خواهد بود.

در صورتی که سنی ها استقلال به دست بیاورند، واشینگتن رژیم سلطنتی را به آنها تحمیل خواهد کرد و خاندان هاشمی را بر تخت سلطنت خواهد نشاند. شاهزاده علی و همسرش، شاهزاده خانم ریم (دختر اخضر ابراهیمی و گوینده قدیمی سی ان ان CNN) از فرمانروایان آن خواهند بود.

علاوه بر این، اردن قانونی را که بارها تصویب آن را مردود دانسته، یعنی اهداء ملیت به ساکنان غزه را به تصویب خواهد رساند. غزه ای ها به این دلیل که اردن به شورای همکاری خلیج (فارس) پیوسته است، می توانند به عنوان اردنی در عربستان سعودی و یا امارات کار کنند (و نه به عنوان فلسطینی). بر این اساس با گذشت زمان، مسأله انتقال اهالی فلسطین حل خواهد شد.

با این وجود این طرح شرم آور می تواند با مداخله روسیه و ژگون شود. زیرا مسکو اعلام کرده است که برای مبارزه علیه امارات اسلامی نیازی به انتظار کشیدن برای گردهمائی شورای امنیت ندارد.

یادداشت ها :

۱) همان گونه که *Middle East* به معنای «خاورمیانه» است، مفهوم «خاور میانه بزرگ» هیچ واقعیت جغرافیایی ندارد، و یک نامگذاری استعماری چیز بیشتری نیست. مناطق جغرافیایی عبارتند از مغرب، شامات (مشرق)، خلیج (فارس) و شبه قاره هند که هر یک فرهنگ خاص خود را دارد.

[2] “[Stability, America’s Enemy](#)”, Ralph Peters, *Parameters*, Winter 2001-02, pp. 5-20.

[3] « [Révélations du PKK sur l’attaque de l’ÉIIL et la création du "Kurdistan"](#), Réseau Voltaire, 8 juillet 2014. »

[4] « [Un djihad mondial contre les BRICS ?](#) », par Alfredo Jalife-Rahme, Traduction Arnaud Bréart, *La Jornada* (Mexique), Réseau Voltaire, 18 juillet 2014.

: آدرس الکترونیک متن اصلی در شبکه ولتر

<http://www.voltairenet.org/article185321.html>

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۵ سپتامبر ۲۰۱۴

افزوده پورتال:

* - ما بار ها اعلام داشته ایم که دولت دست نشانده شوروی را کمونیست دانستن، نه تنها تحریف تاریخ افغانستان است، بلکه اولتر از همه اهانتی است صریح و غیر منصفانه به استقامت کمونیسم. بر طبق مستندات تاریخی، رژیم محصول کودتای ثور، رژیمی بود دست نشانده که در همه حالت مدافع منافع شوروی آنروز بوده و نه تنها هیچ ارتباطی با کمونیسم نداشت، بلکه اولتر از همه گل سر سبد های جنبش کمونیستی افغانستان را که حاضر نبودند حلقه غلامی و بردگی شوروی را به گردن انداخته، با خیانت به کشور در کشتن مردم افغانستان با جنایتکاران خلقی- پرچمی و شاخ و پنجه های آن همدست گردند، به قتل رسانیده، سازمانهای چندی را از ریشه نابود نمود. در نتیجه با بسیار صراحت نوشته می توانیم: رژیم کودتائی ثور، نه تنها رژیم کمونیستی نبود بلکه رژیمی بود که بیشتر از تمام دورانها، خون کمونیست های اصیل افغانستان را نیز ریختانده است.

اداره پورتال AA-AA